



بسم الله الرحمن الرحيم
خوش آمد عرض می کنیم به همه ی برادران و خواهرانی که در این جمع صمیمی و برادرانه حضور دارند ؛ بخصوص به خانواده های مکرم شهیدان عزیز و برادران و خواهرانی که از نقاط و شهرهای دیگر تشریف آورده اند. همچنین خوش آمد عرض می کنیم به برادران عراقی، که جمعی از دانشگاهیان عراق در این جا تشریف دارند.
ایام آخر صفر برای عالم شیعه و اسلام، ایام پُرخاطره یی است. به روزهای رحلت نبی اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) نزدیک می شویم. زندگی پیامبر اکرم - زندگی برای خدا، در راه خدا و وقف گسترش تعالیم الهی - و شخصیت یکتا و بی نظیر آن بزرگوار برای همه ی دوران تاریخ اسلام یک نمونه و درس و یک الگوی همیشگی است ؛ «لکم فی رسول الله اسوة حسنة». با این مجاهدت، تعالیم اسلام در تمام تاریخ پراکنده شد و گسترش پیدا کرد. این تعالیم فقط برای مسلمانها نیست ؛ همه ی بشریت از گسترش تعالیم اسلام سود می برند. ما مسلمانها اگر قدر تعالیم اسلام را بدانیم و به عمق آنها پی ببریم، خواهیم توانست یک دنیای نو، منطبق بر خواسته های حقیقی و فطری انسان به وجود بیاوریم. امت اسلامی با تمسک به اسلام می تواند دنیای غرق در شهوت و خشم و جاهلیت و خودخواهی و خودپرستی را نجات دهد. روح همه ی معارف و تعالیم اسلامی این است که افسار رفتار و حرکت بشر در زندگی به دست شهوت و غضب داده نشود ؛ انسان و جامعه ی انسانی را خودخواهی ها هدایت نکند ؛ بلکه عقل و تقوا هدایت کند. شما به رنجهای بشر نگاه کنید ؛ فقرها، محرومیت ها، تبعیض ها، فسادها، جهالتها و تعصب های بی مورد ناشی از چیست و کشتارها، جنگها، مظلومیت ها، ستمها و قساوتها در جامعه ی بشری از کجا به وجود می آید؟ ریشه ی همه ی اینها این است که انسانهایی که مهار نفس خودشان را ندارند و اسیر شهوت و غضب و خودخواهی و جاه طلبی و مال اندوزی اند، هرگاه در هر نقطه یی از دنیا بر سرنوشت بشر حاکم شدند، بشریت را به فقر و جنگ و جهالت و تبعیض و فساد و فتنه سوق دادند ؛ اسلام می خواهد این را علاج کند. اسلام می گوید زمام اراده و تصمیم و اختیار بشر - که یکی از بزرگ ترین موهبتهای خدا به بشر است - به دست جهالت، شقاوت، دنیاپرستی، خودخواهی و خودپرستی داده نشود ؛ بلکه به دست عقل و تقوا داده شود.
این که ما عرض کردیم امسال سال پاسخگویی است، پاسخگویی یک مفهوم غربی نیست ؛ یک مفهوم اسلامی است. بعضی ها از هر چیزی خوششان بیاید، سعی می کنند آن را به گونه یی به فرآورده های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند. نه، پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است ؛ این همان مسؤولیت است. مسؤولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه یی که هست، در درجه ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم گیری او تحت تأثیر چه بود ؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود. اگر انسان توانست وجدان خود را آرام کند و به ندای اندرون خود پاسخ گوید، خواهد توانست به دیگران هم پاسخگو باشد. «انّ السّمع والبصر - الفؤاد كلّ اولئک کان عنه مسؤولا». همین چشمی که شما دارید - که می تواند بشنود و به دل شما منتقل کند و جوارح شما را تحت تأثیر قرار دهد - همین قلبی که دارید - که می تواند احساس کند، تصمیم بگیرد و راه را انتخاب کند (که از هویت واقعی انسان به «قلب» تعبیر می شود) - وسیله یی است که خدای متعال شما را در مقابل اینها پاسخگو می داند. همه ی ما باید جواب دهیم با چشم خود چه دیدیم ؛ آیا دیدیم؟ آیا دقت کردیم؟ آیا خواستیم ببینیم؟ خواستیم بشنویم؟ خواستیم تصمیم بگیریم و عمل کنیم؟ این همان پاسخگویی است. فرمود: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» ؛ همه ی شما مسؤولید. البته کسی که حیطة ی وسیعی از زندگی انسانها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می گیرد، مسؤولیتش به همان نسبت بیشتر است ؛ لذا من گفتم مسؤولان بلند پایه ی کشور، قوای سه گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند ؛ پاسخگوی کار خود، پاسخگوی تصمیم خود، پاسخگوی سخنی که بر زبان آورده اند و تصمیمی که گرفته اند ؛ این معنای پاسخگویی است ؛ این یک حقیقت اسلامی است و



همه باید به آن پایبند باشیم. هر انسان وقتی می خواهد حرفی بزند، اگر بداند در مقابل این حرف باید پاسخگو باشد، يك طور حرف خواهد زد؛ اما اگر بداند مطلق العنان است و پاسخگو نیست، طور دیگری حرف خواهد زد. انسان وقتی می خواهد تصمیم بگیرد و عمل کند، اگر بداند در مقابل اقدام خود پاسخگو خواهد بود، يك طور عمل می کند؛ اما اگر احساس کند نه، مطلق العنان است و از او سؤال نمی شود و او را به بازخواست نمی کشند، طور دیگری عمل می کند. ما مسؤولان خیلی باید مراقب حرف زد و تصمیم گیری خود باشیم. مسؤولیت به همین علت محترم است و به همین جهت است که مردم برای مسؤول احترام قائلند؛ چون پشت سر کار و تصمیم گیری او دنیایی از مسؤولیت وجود دارد که او قبول می کند. اگر این شخص خود را مسؤول دانست، واقعاً شایسته ی این تکریم و احترام هم هست؛ اما اگر مسؤول ندانست، همه چیز مشکل می شود.

شما به صحنه ی عالم نگاه کنید. امروز اوضاع عراق ناشی از چیست؟ ناشی از این است که يك قدرت بی مهار و غیرپاسخگوی به افکار جهانی، در نقطه یی از دنیا احساس قدرت بی مسؤولیت می کند؛ یعنی دولت امریکا. امروز آنچه در عراق دارد اتفاق می افتد، يك جنایت سهمگین و وحشیانه و يك کار حقیقتاً حیرت انگیز است. قدرت بیگانه یی به خاطر اغراض سیاسی و اقتصادی خود و به خاطر پُر کردن شکم سردمداران کمپانی های نفتی و صهیونیستی و غیره از ثروت عراق، برنامه ریزی کرده و اسمی هم روی آن گذاشته است: مبارزه ی با تروریسم! آمدند وارد عراق شدند و کشوری با آن فرهنگ عریق و عمیق و دارای سابقه، و يك ملت تاریخی و غیور و دارای هویت را مقهور کردند و در پنجه ی خود گرفتند و انواع اهانتها را به او می کنند؛ توقع دارند این ملت علیه آنها برنگردد و وضعی که امروز مشاهده می کنید، پیش نیاید. ما این وضعیت را پیش بینی می کردیم و چند ماه قبل از این به افکار عمومی گفتیم امریکایی ها دارند قدم به قدم مردم عراق را به برخورد مسلحانه ی خشمگینانه یی نزدیک می کنند. اگر شما می بینید امروز جوان عراقی - از شیعه و سنی - در نجف و فلوجه و بغداد و سایر مناطق با خشم به امریکایی ها نگاه می کند و اگر دستش برسد، بی تردید ضربه وارد می کند، این کاری است که خود امریکایی ها کرده اند؛ تقصیر کسی نیست. مثل دیوانه یی که هی به این و آن می پرد، بی جهت این و آن را متهم می کنند؛ «از فلان جا تحریک شدند، از فلان جا دخالت کردند»؛ نه، تحریک کسی نیست؛ این هویت ملت عراق است که دارد بروز می کند. وطن يك ملت را بگیرد، سربازتان را در کوچه و خیابان او راه بیندازید، به زن او بی حرمتی کنید، جوان او را جلوی چشم همه روی زمین دمر و بخوابانید و کف پوتینتان را روی سر او بگذارید؛ من که این جا نشسته ام، طاقت نمی آورم این وضعیت را ببینم؛ چطور يك انسان با ایمان و با غیرت عراقی این وضعیت را تحمل می کند؟ لازم نیست کسی تحریک کند؛ خود شما بزرگ ترین و پلیدترین تحریک کننده ی ملت عراق هستید. چرا وارد خانه ی او شدید؟ چرا دروغ گفتید؟ گفتید دنبال سلاح کشتار جمعی می گردید. کو سلاح کشتار جمعی؟ چرا پیدا نکردید؟! ما این حرفها را حالا می زنیم؟ در خود امریکا و اروپا شخصیتهای برجسته ی سیاسی و غیره فریادشان بلند شد؛ گفتند شما دروغ گفتید؛ به همین بوش و دار و دسته اش گفتند دروغ گفتید. شما با دروغ وارد عراق شدید. قصد شما مبارزه با سلاح کشتار جمعی نبود؛ قصد شما تصرف عراق و نفت این کشور و نزدیک شدن به قلب دنیای اسلام بود؛ خواستید قلب دنیای اسلام را تصرف کنید. خود اینها ایند که با دروغ خود دارند در همه جای عراق جنایت و کشتار می کنند. برای آنها سنی و شیعه هم فرقی ندارد؛ با همه ی آحاد ملت عراق - اگر در مقابل آنها به خاک نیفتند - دشمن اند. می گویند باید در مقابل ما به خاک بیفتید؛ حرف هم نزنید، چشمهایتان را هم ببندید تا ما هر کار می خواهیم، با شما بکنیم؛ در غیر این صورت شما دشمن و تروریست هستید! این، منطق اشغالگران و منطق امریکا در عراق است. آنها اشتباه می کنند؛ خیال می کنند مردم دنیا نمی فهمند؛ خیال می کنند می شود این طوری ادامه داد. اسم دمکراسی می آورند: به عراق آمده ایم برای مردم سالاری! مردم سالاری بی مردم! مردم سالاری نیست، مردم کشتاری است. آمده اند دنبال دمکراسی و حقوق بشر! این است حقوق بشر؟! چهره ی تمدن و مدنیت غرب را از آنچه که بود، امروز سیاه تر کرده اند. اینها اشتباه می کنند، موفق هم نخواهند شد.

من به شما عرض می کنم؛ امروز دولت امریکا با مردم عراق می خواهد همان کاری را بکند که شارون با فلسطینی ها می خواهد بکند؛ یعنی جواب هر حرف و اقدام تعرض آمیز آنها با مشت آهنین. هرچه صهیونیست ها موفق شدند،



اینها هم موفق خواهند شد. آنها شصت سال است که بر فلسطین مسلطند. سالهایی گذشت که فلسطینی ها جنبش و جوشی نداشتند؛ اما الان زندگی بر صهیونیست ها سخت شده؛ کارشان به جایی رسیده است که تحمل وجود یک پیرمرد روحانی فلج را هم که باید روی چرخ راهش ببرند، ندارند. کسی مثل شیخ احمد یاسین را نمی توانند تحمل کنند. امریکایی ها هم در عراق همین سیاست را در پیش گرفته اند؛ خیال می کنند این سیاست به جایی خواهد رسید. روزنامه می بندند، مطبوعات را توقیف می کنند؛ از این جا بگیرد تا کشتار مردم.

بر اساس همه ی اصول و موازین بشری، کار امریکایی ها محکوم و مذموم و تنفرانگیز است؛ و براساس همه ی قواعد عالم طبیعت، کار آنها محکوم به شکست است. امریکایی ها بدانند دیر یا زود با ذلت و سرافکندگی از عراق خارج خواهند شد. برادران عراقی ما می توانند این دوره را کوتاه کنند؛ می توانند رفع این خطر بزرگ را نزدیک کنند؛ با چه چیزی؟ با وحدت کلمه، با تمسک به اسلام، با حفظ روحیه ی اسلامی و ایمانی خود و با به کارگیری عقل و حکمت و تدبیر. قدر علما را بدانند؛ قدر موقع و موضع مرجعیت را بدانند؛ قدر این محورهای جمع کننده و گردآوری کننده را بدانند؛ قدر ایمان خود را بدانند و در دام تفرقه افکنی دشمن نیفتند. امروز در عراق یکی از برنامه های حتمی دشمنان - یعنی امریکایی ها و انگلیسی ها و اتباع و انصارشان - تفرقه انداختن است؛ باید در این دام قرار نگیرند. ما ان شاءالله روزی را خواهیم دید که عراق مستقل و آزاد با اراده ی مردم خود و زیر پرچم اسلام زندگی کند. پروردگارا! همه ی مسلمانها را در همه ی نقاط عالم سرافراز کن. پروردگارا! ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله (ارواحنافداه) را شامل حال همه ی ما و همه ی امت اسلامی قرار بده و دلهای برادران مسلمان را در همه ی نقاط جهان به همدیگر نزدیک و شر دشمنان را از آنها کوتاه کن.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته